



به پنهان‌برگزاری دادگاه پرونده هواپیماربایی سال ۹۹
جنگالی‌ترین هواپیماربایی‌های ایران را مرور کرده‌ایم

گروگان‌گیری در آسمان

دهه ۶۰ و ۷۰ را می‌توان رکورددار بیشترین هواپیماربایی در ایران دانست. در آن زمان بیشتر ربایش‌ها با موفقیت همراه بود و درصد کمی با دستگیری یا مجروح شدن ربایندگان بدون نتیجه پایان می‌یافت. بیشتر پروازهای ربوده شده به عراق، فرانسه و مصر می‌رفتند و خدمه و مسافران بعد از پیاده‌شدن هواپیمارباهای دیگر به ایران باز می‌گشتند. بیشتر هواپیماربایی‌های انجام شده در دهه ۶۰ و ۷۰ با انگیزه سیاسی انجام می‌شد. با سپردن مسئولیت امنیت پرواز به سپاه پاسداران ربایش‌ها تقریباً به صفر رسید و هیچ هواپیمایی از کشور خارج نشد. پسر و صدترین هواپیماربایی را خالد حمدانی سال ۷۹ انجام داد که چند سال بعد سناریوی فیلم ارتفاع پست شد و خالد و رسول و دو همدستش بالاخره در بهار ۱۴۰۰ با عفو آزاد شدند. در آخرین ماجرانیز سال گذشته مردی با سلاح قلابی و ادعای بمب‌گذاری قصد داشت هواپیمایی را به عربستان ببرد که ناکام ماند. جلسه رسیدگی به این پرونده، هفته گذشته در دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد که این هفته با روایت جلسه دادگاه و حرف‌های مرد هواپیماربا، به بررسی جنگالی‌ترین هواپیماربایی‌های ایران پرداخته و مجازات هواپیماربایان را بررسی کردیم.

مجید غمخوار
تپش

روایتی واقعی از یک هواپیماربایی قلابی!

در ادامه رئیس دادگاه با تفهیم اتهام به پیمان از او خواست از خود دفاع کند. مرد هواپیماربا با رد اتهامش گفت: «سواد و کار درست و حسابی نداشتم و با داشتن همسرویک فرزند ۵ ساله نمی‌توانستم مخارج زندگی‌ام را تأمین کنم و به دلیل فشارهای اجتماعی تصمیم گرفتم هواپیماربایی کنم. این کارم نوعی اعتراض به شرایط بود. روز حادثه براساس نقشه‌ام یک جلیقه شبیه جلیقه‌های انفجاری درست کرده و به خودم بستم. یک اسلحه قلابی هم با خودم به هواپیما آوردم. بعد از سوار شدن، منتظر ماندم هواپیما از روی باند بلند شود بعد به بهانه رفتن به سرویس بهداشتی بلند شدم. مهماندار به سمتم آمد و کاغذی را که از قبل آماده کرده بودم به او دادم. روی برگه نوشته بودم، جلیقه انفجاری به من وصل است اما کنترلش در اختیار من نیست. خواستم هواپیما به اهواز برگردد. مهماندار بدون هیچ واکنشی به راه افتاد. من هم پشت سر او حرکت کردم. مقابل مردی ایستاد و برگه را به او داد. او با خواندن آن نوشته به رویم اسلحه کشید که در واکنش جلیقه را نشان دادم. مسافران وحشت کرده و از جای خود بلند شدند. مهمانداران آنها را آرام کرده و روی صندلی نشاندند. خودم هم ترسیدم. می‌ترسیدم نکنند روی من اسلحه بکشند و کسی شلیک کند و جانم گرفته شود. مأمور امنیت پرواز بعد از آرام شدن جو هواپیما با خلبان صحبت کرد و او هواپیما را در فرودگاه اصفهان بر زمین نشانند. در آنجا مقاومتی نکرده و دستگیر شدم.»

شامگاه ۴ اسفند ۱۳۹۹، هواپیمای فوکر سازمان هواپیمایی کشور آماده پرواز شد. مسافران پرواز اهواز-مشهد با تاخیر روی صندلی‌های خود نشسته و خلبان روی باند فرودگاه اهواز تیک آف کرد. بعد از چند دقیقه یکی از مسافران از جای خود بلند شد و با صدا کردن یکی از مهمانداران برگه‌ای را به او داد. او در این برگه مدعی بود به خودش مواد منفجره بسته و اگر هواپیما به سمت عربستان تغییر مسیر ندهد، همدستش که ریموت بمب در اختیار اوست، هواپیما را منفجر می‌کند. نیروهای امنیت پرواز سپاه وارد عمل شده و مرد هواپیماربا را دستگیر کردند. با گذشت هشت ماه از این ماجرا، متهم در شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد و در این جلسه مدعی شد، هواپیماربا نیست و یک معترض اجتماعی است. ابتدای جلسه رسیدگی که به ریاست قاضی رحمانی برگزار شد، نماینده دادستان در دفاع از کیفرخواست گفت: «متهم ۳۵ ساله به نام پیمان، سال گذشته با یک سلاح قلابی و بستن جلیقه انفجار قلابی قصد ربودن هواپیمای مسافربری اهواز - مشهد را با ۶۳ مسافرو ۱۲ اکر پرواز داشت که توسط نیروهای امنیت پرواز حاضر در هواپیما بعد از فرود آمدن هواپیما در فرودگاه اصفهان دستگیر شد. او در اظهارات اولیه اش گفت قصد داشته هواپیما را به طرف کشور عربستان هدایت کند. برای او درخواست اشد مجازات داریم.»



هواپیماربا:

همدستی نداشتم

شغلت چه بود؟

برقکار بودم.

مشکل مالی داشتی؟

دخل و خرجم جور در نمی‌آمد.

کسی متوجه نشد این وسایل را داخل

هواپیما می‌بری؟

نه؛ البته مواد منفجره‌ای همراه نداشتم.

فقط پسرم شک کرد که به او گفتم بطری

آب معدنی است.

همسرت در این ماجرا چه نقشی داشت؟

او نمی‌دانست چه نقشه‌ای داشتم حتی

وقتی بلند شدم به او گفتم قصد رفتن به

سرویس بهداشتی را دارم.

چرا می‌خواستی هواپیما را به عربستان

ببری؟

هدفم نوعی اعتراض بود.

اما این کار باعث وحشت مسافران شده

بود.

من نمی‌خواستم به کسی آسیبی وارد

شود.

برای اجرای نقشه‌ات از کسی کمک

نگرفتی؟

نه، همدستی نداشتم.



در جریان آخرین

هواپیماربایی در ایران

مردی با حمل اسلحه

و تجهیزات تقلبی

قصد ربودن هواپیما و

انتقال آن به عربستان

را داشت که با واکنش

مأموران امنیت پرواز

ناکام ماند

